

بانک‌های خصوصی:

رویارویی با چالش‌ها و دستیابی به فرصت‌های تازه

با نگاهی به عملکرد بانک سامان

اشاره

سال‌های آتی پس از اجرایی‌کردن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ابلاغی از طرف مقام معظم رهبری نیز فضای جدیدی را برای بانک‌های فعلی خصوصی و دولتی ترسیم خواهد نمود. تاکید بر سرمایه‌گذاری خارجی، اعطای تسهیلات مشارکت مدنی و حقوقی، گسترش فعالیت‌ها از طریق بانکداری الکترونیک، جذب و آموزش نیروی انسانی ماهر نیز از موضوعاتی هستند که می‌توانند به عنوان اصول فعالیت برای سال‌های آتی مورد توجه مدیران این بانک‌ها قرار گیرند.

ارزیابی عملکرد بانک سامان

بانک سامان به عنوان یک نهاد پولی، فعالیت خود را از مهرماه سال ۱۳۷۸ با نام موسسه اعتباری سامان اقتصاد شروع کرد و در اسفند ۱۳۷۹ پس از تصویب قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی

دارای رانت جمع‌آوری پول، در جامعه مطرح گردید. سپس با روی‌کارآمدن دولت نهم و گرایش‌های شدیدتر و عملیاتی مشخص رییس‌جمهور و تیم همراه وی، و با توجه به عدم ثبات و استقلال در نهادهای تدوین سیاست‌های پولی همچون مدیران عامل بانک‌ها و علی‌الخصوص اعضای شورای پول و اعتبار، این گرایش‌ها حادث‌تر شد و مصوبات سال ۸۴ و ۸۵ این شورا تقریباً با مقاومت بدنه کارشناسی دستگاه‌های اجرایی و منتقدان سیاست‌های شوک‌درمانی مواجه گردید.

نگاهی به گذشته نشان می‌دهد که تاکید بانک‌های خصوصی بر جذب منابع گران‌قیمت و اعطای تسهیلات آسان، اما گران، به عنوان تنها مزیت نسبی بانک‌های خصوصی مورد تاکید فعالان اقتصادی و مردم قرار گرفته است، اما رشد نسبی فعالیت‌ها در این موسسات و گسترش عملیات بزرگ‌اقتصادی و هزینه‌های ثابت شعب و نیروی انسانی، در کنار گران بودن گسترش خدمات الکترونیک و بانکداری مدرن، عملاً هزینه‌های اداری را در مقایسه با درآمدهای بانک‌ها دوبرابر کرده و تا حدودی آن کارایی و سوددهی سابق را در معرض تهدید قرار داده است. از طرفی دیگر، به علت گسترش تسهیلات اعطایی، تهدید گسترش مطالبات معوق نیز امری قابل تأمل است و تدوین سیاست‌های پیشگیرانه، البته بدون سخت‌گیری‌های بانک‌های دولتی را طلب می‌کنند.

قطعاً حضور بانک‌های خصوصی عظیم در

اگرچه گروهی معتقد بودند که راه‌اندازی بانک خصوصی، یکی از پرسودترین و پردرآمدترین فعالیت‌های اقتصادی طی سال‌های اولیه تاسیس این بانک‌ها بوده، ولیکن قطعاً بنا بر اصل رقابت‌پذیری و سودطلبی، اینک بعد از گذشت چند سال از این فعالیت‌ها، دیگر نمی‌توان به سادگی این فرضیات را به‌کاربرد و با این رویکرد، می‌توان اصل تاسیس و حضور بانک‌های خصوصی در عرصه بانکداری کشور را مورد تجدیدنظر قرار داد و از ابتدا سوال نمود که آیا همچنان می‌توان نسبت به فعالیت بانکداری خصوصی به عنوان یک فعالیت سودآور امیدوار بود؟ فعالیت بانک‌های خصوصی با آغاز برنامه سوم توسعه و اجازه تاسیس این بانک‌ها شروع شد و تکمیل قواعد فعالیت این موسسات نیز به علت بدیع بودن فعالیت آنها در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، به عنوان یکی از محورهای اصلی نظارت بانک مرکزی بر فعالیت موسسات پولی در دستور کار قرار گرفت و شرایط به‌وجودآمده پس از روی‌کارآمدن مجلس هفتم و زخم‌های تغییر در شیوه‌های نظارت بر موسسات خصوصی و دولتی

همین برابری نرخ سپرده قانونی باعث شده است که بانک‌های خصوصی از گران بودن هزینه‌های تامین منابع و ناحق بودن سیاست‌های پولی کشور گلایه نمایند.



اندیشیدن به راه‌های جدید

الله‌وردی رجایی سلماسی، مدیرعامل بانک سامان از جمله بانکداران صاحب‌تجربه و صاحب‌نامی است که از سال‌ها قبل در هر دو سوی بخش مالی کشور، یعنی هم در بخش دولتی و هم در بخش غیردولتی حضور داشته و دوره مدیریت خود را تاکنون با نیکنمایی سپری کرده است. وی در این مصاحبه اختصاصی پاسخگوی سؤالاتی است که درباره وضعیت و عملکرد بانک سامان وجود دارد.

جناب آقای سلماسی، ضمن تشکر، بفرمایید که آیا افزایش مطالبات مشکوک‌الوصول بانک سامان به

میزان ۱۳۵ درصد در مقایسه با رشد کل

تسهیلات اعطایی به میزان ۱۰۵ درصد

در سال ۸۴ نسبت به ۸۳ را می‌توان

تهدیدی جدی تلقی کرد یا خیر؟

اقدامات بانک برای جلوگیری از

پیامدهای منفی این موضوع چیست؟

□ مطالبات مزبور افزایش نیافته و

احتمالاً چون در سال‌های قبل سیستم ما

در مورد مطالبات مشکوک‌الوصول تعریف

نشده بود، لذا همه مطالبات سررسید

گذشته و... به سرفصل مربوطه منتقل

می‌شد و این اختلاف پیش آمد، اما

به‌هرحال، مطالبات سررسید گذشته هم

داریم و علت اصلی آن هم وام‌های

مشارکت مدنی و ساختمانی است که به موقع

قابل فروش نیستند و تسهیلات گیرندگان را با مشکل

مواجه می‌کنند و پس از این که یکی دو ماه از

عدم پرداخت به‌موقع قسط این تسهیلات می‌گذرد، به

سرفصل مطالبات معوق و یا مشکوک‌الوصول منتقل

می‌شوند و ارقام و درصدها بالا به‌نظر می‌رسند.

لازم به ذکر است که ما در مقابل تسهیلات

اعطایی، وثایق و تضمین‌های خوبی دریافت می‌کنیم،

ولی تا جایی که امکان‌پذیر است، آنها را به اجرا

نمی‌گذاریم و تلاش می‌کنیم تا برای حل مشکلات

مشتریان تا جایی که بانک می‌تواند، همراهی کنیم.

چون نرخ سود سپرده‌ها را پایین آورده‌ایم،

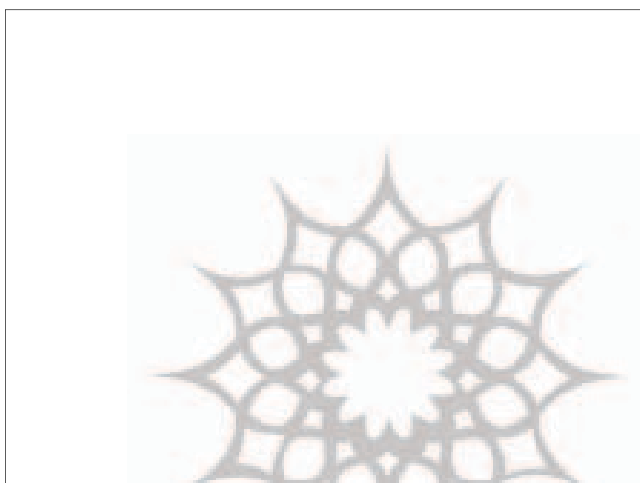
مردم به سمت سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت

روی آورده‌اند.

سپرده‌های کوتاه‌مدت، نشان می‌دهد که مدیران بانک سامان برخوردی مناسب داشته‌اند و با توجه به ثابت‌بودن نرخ سپرده قانونی همه سپرده‌ها، پرداخت کمتر هزینه (سود به سپرده‌گذاران) در مقایسه با سپرده‌های بلندمدت را در دستور کار خود قرار داده‌اند و این همان اصل رقابت‌پذیری و اعمال انعطاف نسبت به سیاست‌های وضع شده است.

اما نکته دیگر آن است که به علت همین برابری نرخ سپرده قانونی است که بانک‌های خصوصی می‌توانند از گران‌بودن هزینه‌های تامین منابع و ناهق‌بودن سیاست‌های پولی کشور گلایه نمایند.

البته گسترش فعالیت‌های بانک سامان در زمینه



© بانک‌های خصوصی، جوان و در آغاز.

خرید اوراق مشارکت و عدم توجه به مشارکت مدنی، دو قسمت متناقض است که می‌تواند طی سال آتی برای جبران کاهش نرخ سود اوراق مشارکت و تسهیلات عملیاتی شود. البته گسترش تسهیلات اعطایی در عقد مشارکت نیازمند حضور نیروی انسانی متخصص در فعالیت‌های بانک می‌باشد که با توجه به عملکرد کل شبکه بانکی و صورت‌های مالی بانک سامان، به‌طور خاص، مورد دقت واقع نشده است.

عقد مشارکت مدنی، یکی از عقود است که می‌تواند با گسترش فعالیت بانک برای حضور در فعالیت‌های اقتصادی، منافع بسیار مناسبی را در اختیار بانک قرار دهد. این عقد به علت شرایط تورمی و عدم قطعیت نرخ سود بالاتر حاصل از اعطای تسهیلات به دلیل شراکت با فعالان، موجبات گسترش منابع و منافع حاصله را فراهم می‌آورد.

محمد وطن‌پور

و فرهنگی، موسسه اعتباری سامان اقتصاد تقاضای خود را برای تبدیل شدن به بانک، به بانک مرکزی ارائه داد و در شهریور ماه سال ۱۳۸۱ با موافقت بانک مرکزی، به بانک سامان تبدیل گردید.

اینک با نگاهی به عملکرد سال ۱۳۸۴ بانک سامان در مقایسه با سال مالی ۸۳، می‌توان دریافت که شبکه بانک‌های خصوصی کشور و علی‌الخصوص این بانک، باید ضمن رعایت مصوبات اخیر نهادهای تصمیم‌گیر در مورد نرخ سودهای جدید و فرمول محاسبه تسهیلات اعطایی و ساعات کار بانک‌ها، شرایطی را در پیش گیرند تا بتوانند سود سهامداران و منافع سپرده‌گذاران خود را تامین نمایند. قطعاً در این

مرحله بانک سامان و مدیران ارشد آن می‌بایست مشخص نمایند که کدامیک از متغیرهای عملیاتی‌شان با توجه به رویکردهای جدید بانک‌های دولتی و دولت جدید، می‌تواند مورد تهدید واقع شود و از طرف دیگر، چگونه می‌توان این تهدیدات را به حداقل رساند و تا حد زیادی نسبت به خلق فرصت‌های جدید اقدام کرد. البته با نگاهی دقیق‌تر به مصوبات صورت‌های مالی مجمع عمومی بانک سامان درمی‌یابیم که در سطح خرد بنگاه‌های متأثر از سیاست‌های

پیش‌گفته نیز می‌توان تغییرات هر چند اندکی را مشاهده کرد و با توجه به

مصاحبه‌های انجام‌شده با مدیران ارشد این بانک که بعداً خواهد آمد، تحولات آتی را تا حدودی پیش‌بینی نمود.

با توجه به چالش‌های تازه، آیا می‌توان همچنان نسبت به فعالیت بانکداری خصوصی به عنوان یک فعالیت سودآور امیدوار بود؟

و به طور دقیق‌تر، و با مراجعه به صورت‌های مالی بانک سامان ناشی از فعالیت در سال ۱۳۸۴ و مقایسه آن با سال ۱۳۸۳ می‌توان ملاحظه کرد که اگرچه کل تسهیلات اعطایی در این بانک ۱۰۵ درصد رشد داشته، ولی مطالبات مشکوک‌الوصول در بانک نیز در حد ۱۳۵ درصد رشد داشته است. بدیهی است که این ارقام، در کنار گسترش استقبال بانک از پذیرش

خصوصی است؟ اگر توضیحی را لازم می‌دانید،
بفرمایید.

□ بله، در صورتی که بنگاه با توسعه مواجه نباشد، افزایش هزینه‌ها معیار با اصول کارآمدی است، اما نه در مورد بانک سامان که در حال توسعه است. هزینه‌های افزایش شعب، افزایش استخدام نیروی انسانی، هزینه‌های افزایش حقوق، تورم و... در این مورد اثرات ویژه داشته‌اند.

رجایی سلماسی:
بانک‌ها باید کسری سود تسهیلات اعطایی را از خدمات دیگری تامین کنند.

□ / با توجه به رشد ۳۴۱ درصدی سرمایه‌گذاری بانک سامان در اوراق مشارکت، بفرمایید که نگاه بانک سامان در استفاده از منابع و خرید اوراق مشارکت به عنوان یکی از ابزارهای مناسب حفظ بازدهی چگونه است؟

□ ما پول اضافه زیاد داشتیم و در نهایت آنها را تبدیل به اوراق مشارکت کردیم. با سرمایه‌گذاری در اوراق مشارکت توسط بانک سامان، برای سهامداران و بانک فعالیت سودآور صورت می‌گیرد. با توجه به این که ما فاقد بازار بین‌بانکی هستیم، بنابراین، این خلأ را با خرید اوراق مشارکت پر می‌کنیم.

□ / با گسترش سریعتر هزینه‌ها در مقابل درآمد، با توجه به تدابیر جدید دولت و شورای پول و اعتبار مبنی بر کاهش نرخ سود دریافتی از تسهیلات، برای سال جاری و سنوات آتی چه تدابیری را اندیشیده‌اید؟

□ به‌رحال، بانک‌ها باید کسری سود تسهیلات را از خدمات دیگری تامین کنند، مانند افزایش فعالیت‌های بین‌المللی، ارائه خدمات بانکی چون صدور ضمانتنامه، ارائه خدمات بانکداری الکترونیکی، صدور کارت و... از تلاش‌هایی است که در بانک سامان برای ایجاد تنوع در ارائه خدمات بانکی و تامین درآمد بیشتر اندیشیده شده است و امیدواریم که بتوانیم در این راستا توفیقات بیشتری برای بانک کسب کنیم.

□ / به‌طور مشخص، پس از تعدیلات انجام‌شده

به‌رحال، اینگونه مطالبات وجود دارند و هرچه روند فعالیت‌های اقتصادی کندتر شود، گردش نقدینگی هم کاهش پیدا می‌کند و مسلماً در کل تاثیر می‌گذارد و بنگاه‌های اقتصادی که تسهیلات دریافت می‌کنند، ممکن است در زمان تعیین شده نتوانند اقدام به بازپرداخت تعهدات خود نمایند و با تاخیر مواجه می‌شوند.

□ / رشد سپرده‌های دیداری به میزان ۸۴ درصد و سپرده‌های سرمایه‌گذاری به میزان ۷۰ درصد نشان‌دهنده گرایش نسبی منابع بانک به سمت منابع گران‌قیمت‌تر است. آیا می‌توان با این رویکرد همچنان امیدوار بود که جذب منابع گران‌قیمت در مقایسه با دیگر منابع، موجب گسترش قدرت اعطای تسهیلات بانک شود؟

□ اتفاقاً برعکس بوده، ما ترکیب سپرده‌هایمان بهتر شده و چون نرخ سود سپرده‌ها را پایین آورده‌ایم، مردم به سمت سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت روی آورده‌اند و قیمت تمام‌شده پول برای بانک به مقدار بسیار کمی پایین است. گرچه خیلی نمی‌توان به این سپرده‌ها تکیه کرد، اما در شرایط فعلی بهتر است. در سال‌های قبل نسبت سپرده‌گذاری کوتاه‌مدت به بلندمدت ۴۰ به ۶۰ بود و در سال ۸۴ این نسبت ۵۰-۵۰ شده و در سال ۸۵ هم تاکنون به ۶۰ به ۴۰ تغییر یافته است.

□ / از کل تسهیلات اعطایی، رشد تسهیلات مشارکت و سرمایه‌گذاری نسبت به سال ۱۳۸۳، چهار درصد بوده. آیا می‌توان با توان کارشناسی موجود امیدوار بود که منابع بانک به سمت مشارکت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها حرکت نماید؟

□ درصد رشد تسهیلات مشارکت مدنی در سال ۸۴ نسبت به سال ۸۳ معادل ۴۲/۲۷ درصد، در بخش مسکن ۵۸/۲۲ درصد و در بخش خدمات و بازرگانی ۱۱/۹۶ درصد افزایش داشته و رشد کل تسهیلات بانک سامان در سال ۸۴ نسبت به سال ۸۳ معادل ۹۱ درصد، یعنی حدود دو برابر بوده است.

□ / آیا فکر نمی‌کنید که رشد ۷۰ درصدی هزینه‌های اداری و تشکیلاتی، در مقایسه با رشد ۳۸ درصدی کل درآمدها، معیار با اصول کارآمدی در بخش

رشد کل تسهیلات بانک سامان در سال ۸۴ نسبت به سال ۸۳ معادل ۹۱ درصد، یعنی حدود دو برابر بوده است.

توسط شورای پول و اعتبار، به‌نظر شما، کدامیک از عناوین صورت‌های مالی بانک سامان بیشترین آسیب را متحمل خواهد شد؟ و تدابیر مدیران - اعم از مجمع و هیات‌مدیره - در این خصوص چه خواهد بود؟

□ صورت‌های مالی متحمل ضرر نمی‌شود. ما از لحاظ درآمدی ممکن است با کمبود مواجه شویم که باید با اندیشیدن به راه‌های جدید کسب درآمد برای بانک، این کمبودها را تامین کرد. تصور کنید فردی به ساخت‌وساز می‌پردازد، در کنار این فعالیت به امور تجارت و بازرگانی هم پرداخته و یک واحد تولیدی را نیز در اختیار دارد. چنانچه در فرایند این فعالیت‌ها بخشی با رکود یا کندی مواجه شود، توجه وی به بخش دیگر معطوف می‌شود تا تامین درآمد نماید. بانک‌ها نیز از این قاعده مستثنا نیستند و برای کسب درآمد باید به راه‌های گوناگون بیندیشند و ارایه خدمات مختلف را درمناظر داشته باشند.

□ / به‌خاطر شرکت در این گفتگو از جناب‌عالی تشکر می‌کنیم.

حضور بانک‌های خصوصی، یک فرصت خوب است

مغرب و نکته‌سنج، آرام و پرتلاش، در حالی که می‌کوشد تا پاسخ‌های کوتاهی را ارایه نماید، می‌خواهد مطمئن شود که به اصل مطلب اشاره نموده است. فرید ضیاءالملکی، معاون مدیرعامل بانک سامان احساس خوشحالی می‌کند که حضور بانک‌های خصوصی، باعث شده است تا نوع دیگری از ارایه خدمات بانکی توسط مشتریان تجربه شود و ابراز می‌کند که این بانک‌ها به سرعت گسترش پیدا می‌کنند و رضایتمندی مشتریان را بر خواهند انگیخت.

گفتگوی با او را نیز بخوانید.

□ / جناب ضیاءالملکی، بفرمایید که تحلیل عمومی جناب‌عالی راجع به حضور بانک‌های خصوصی در چهار ساله اخیر در بازار بانکی کشور چیست؟

□ سابقه بانکداری خصوصی در ایران برمی‌گردد به حدود ۵۷ سال پیش که در سال ۱۳۲۸ بانک بازرگانی شروع به کار کرد. در آن زمان، چهار بانک ملی، سپه، کشاورزی و رهنی به صورت دولتی فعالیت می‌کردند و به‌تدریج بانک‌های خصوصی متعددی تاسیس شدند،

به کار می‌برد و سود حاصله را پس از کسر حق الوکاله که توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود، بین سپرده‌گذاران تسهیم می‌کند. بنابراین، برای بانک چندان فرقی نخواهد کرد، چرا که قبل از این هم نرخ حق الوکاله ۳/۵ درصد بود و الان هم ۳/۵ درصد است. اگر دولت و یا نهادهای دولتی بانک‌ها را مجبورکنند که سود را کاهش بدهند، الزاماً بانک‌ها برای گذران امور خود، حق الوکاله را دریافت خواهند کرد. حق الوکاله هم شامل هزینه‌های اداری و پرسنلی، ریسک و استهلاک می‌باشد که به زحمت تکافوی این هزینه‌ها را می‌کند. اگر تلاش برای کاهش بیشتر نرخ سود بانکی به عمل آید، الزاماً این کاهش نرخ سود به سپرده‌گذاران منتقل می‌شود.

اما اگر نرخ تورم دورقمی باشد و نرخ سود بانکی بخواهد یک‌رقمی شود، با توجه به این که بخش اعظم سپرده‌های مردم در بانک‌ها می‌باشد، سپرده‌گذاران متضرر خواهند شد. از سوی دیگر، بانک‌ها الزاماً ۱۷ درصد از سپرده‌های خود را به عنوان ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی نگهداری می‌نمایند که از بابت آن فقط یک درصد کارمزد دریافت می‌شود. بانک‌ها هم مجبورند که مقداری نقدینگی را نگهدارند و منابع قابل مصرف فقط به ۸۰ درصد خواهد رسید. مسلماً نقدینگی فراتر از بانک‌ها نخواهد رفت، اما در ترکیب سپرده‌گذاری‌ها تاثیرگذار خواهد بود. چنانچه سپرده‌گذار سودآوری قابل قبولی را برای سپرده‌های خود احساس کند، وجوه خود را سرمایه‌گذاری بلندمدت خواهد نمود و در غیر اینصورت، به سمت سپرده‌گذاری کوتاه‌مدت و جاری میل پیدا می‌کند تا با بروز فرصت‌های بهتر برای سرمایه‌گذاری، از سرمایه خود بیشتر منتفع شود. بنابراین، چنانچه تفاوت معنی‌داری بین نرخ تورم و نرخ سود وجود داشته باشد، سرمایه‌گذار مترصد است که از آن بهره‌مند شود. پس سرمایه خود را به آن سمت سوق می‌دهد، مثلاً در معاملات زمین، ساختمان، طلا، موبایل و... در آن صورت، سرعت گردش پول بیشتری شود و به رشد تورم دامن خواهد زد.

شاهد هستیم که با وجود ATM ها و POS ها و کارت‌های صادر شده در سیستم بانکی، مردم از نظر حمل پول و خرید شرایط بهتری را تجربه می‌کنند. قبل از تاسیس بانک‌های خصوصی، رجحان نقدینگی (نسبت میزان اسکناس به کل نقدینگی) در جامعه حدود ۱۱ درصد بوده که اکنون به پنج درصد کاهش یافته و این نشان‌دهنده استقبال مردم از خدمات نوین و توجه به آن است. گرچه در کنار این ابزارها، انواع چک‌های مسافرتی و ایران‌چک را نیز باید لحاظ کرد، ولی معالوف می‌بینیم که با استفاده از این ابزارها، استفاده مردم از اسکناس کاهش یافته است.

ضیاءالمکی: بانک‌های خصوصی سرنوشت مهمی ندارند.

دسترسی آسان مردم به تسهیلات در بانک‌های خصوصی هم، از دیگر امتیازات حضور این بنگاه‌های اقتصادی است، مانند تسهیلات خرید و تعمیر خانه، خرید لوازم خانگی، خودرو، تأمین مواد اولیه و... که بانک‌های خصوصی خود را موظف می‌دانند که در کوتاهترین زمان ممکن به متقاضی پاسخ مناسب را بدهند. با توجه به موارد مزبور، تصور می‌کنم که در مجموع، حضور بانک‌های خصوصی فرصت خوبی برای ارائه خدمات بهتر بانکی به مردم بوده است و امیدوارم این وضع تداوم یابد.

به نظر می‌رسد که تصمیمات اخیر در مورد کاهش نرخ سود بانکی، شرایط تازه‌ای را به‌ویژه برای بانک‌های خصوصی به وجود آورده است. نظر کلی شما درباره شرایط جدید چیست؟ و این تصمیمات چه نتایجی را در برداشته است؟

□ بعد از تصویب قانون بانکداری بدون ربا در سال ۶۲ و اجرای این قانون از سال ۶۳ تاکنون بانک‌ها با دو نوع سپرده مواجه بودند: یک نوع سپرده‌های قرض‌الحسنه و دیگری سپرده‌های سرمایه‌گذاری. بانک‌های خصوصی عمده سپرده‌هایشان سپرده‌های سرمایه‌گذاری بوده و بانک به وکالت از سوی سپرده‌گذار، وجوه آنان را در قالب یکی از عقود اسلامی

به‌گونه‌ای که در زمان پیروزی انقلاب، در حدود ۳۰ بانک خصوصی در کشور فعالیت می‌کردند که بعد از پیروزی انقلاب، همه بانک‌های خصوصی و موسسات اعتباری، ملی اعلام شدند و در قالب بانک‌های دولتی ملت و تجارت شروع به فعالیت کردند. البته برخی از بانک‌های خصوصی آن زمان هم در چند بانک دولتی ادغام شدند. به‌هر حال، تعداد بانک‌ها در بدو انقلاب به نه بانک دولتی رسید و بعدها با تاسیس بانک توسعه صادرات و تشکیل پست‌بانک، به ۱۱ بانک دولتی افزایش یافت.

اما ۲۱ سال پس از پیروزی انقلاب، یعنی در سال ۱۳۷۸، در هنگام ارائه لایحه قانون برنامه پنجساله سوم، اجازه تاسیس بانک‌های خصوصی در ایران به تصویب مجلس رسید و قانون خاص دیگری هم در اوایل سال ۷۹ برای تاسیس بانک‌های خصوصی به تصویب رسید و مجمع عمومی اولین بانک خصوصی، یعنی بانک اقتصاد نوین در ۱۳ مرداد ۱۳۸۰ برگزار شد و اینجانب مدیرعامل آن بودم. بعد از آن، بانک‌های پارسیان، کارآفرین، سامان و اخیراً هم بانک پاسارگاد و سرمایه به این جمع پیوسته‌اند و در حال حاضر، شش بانک خصوصی در کشور فعالیت می‌کنند و مجموعاً ۱۷ بانک دولتی و خصوصی مشغول ارائه خدمات بانکی در کشور هستند.

در مورد تاثیرگذاری بانک‌های خصوصی در چهار سال اخیر باید عرض کنم که در سال ۸۱ که اولین سال فعالیت این بانک‌ها بود، فقط یک درصد از منابع سیستم بانکی جذب گردید، اما در پایان سال ۸۲ به سه درصد، در سال ۸۳ به هفت درصد و سال ۸۴ به دوازده درصد رسید و در سال ۸۵ هم تا شهریور ماه حدود ۱۴ درصد از منابع را جذب کرده‌اند.

در حال حاضر، تعداد شعب بانک‌های خصوصی حدود ۲۵۰ شعبه در سراسر کشور در برابر ۱۸۰ هزار شعبه بانک‌های دولتی است و رقم جذب سپرده‌ها هم کاملاً امیدوارکننده است، چرا که سرانه شعب در جذب منابع در بانک‌های دولتی حدود ۴۸ میلیارد ریال و در بانک‌های خصوصی حدود ۴۰۰ میلیارد ریال است و سرانه اعطای تسهیلات در هر شعبه بانک‌های دولتی ۳۰ میلیارد ریال و در هر شعبه بانک‌های خصوصی ۳۰۰ میلیارد ریال می‌باشد.

موضوع مهمتر، تاثیر حضور بانک‌های خصوصی در خصوص ارائه خدمات و اجرای عملیات بانکداری الکترونیکی است که نباید آن را ندیده انگاشت و الان

چنانچه تفاوت معنی‌داری بین نرخ تورم و نرخ سود وجود داشته باشد، سرمایه‌گذار مترصد است که از آن بهره‌مند شود. پس سرمایه خود را به آن سمت سوق می‌دهد. و در نتیجه، سرعت گردش پول بیشتر می‌شود و به رشد تورم دامن می‌زند.

۴ / لطفاً بفرمایید که آیا بانک‌های خصوصی برای مقابله با شرایط جدید، به راهکارهای مشترکی دست یافته‌اند؟ یا هر یک درصدد اتخاذ راهکار مستقلی هستند؟

□ از نظر قانونی، بانک‌ها زیر نظر مجمع عمومی، هیات‌مدیره و مدیرعامل اداره می‌شوند و آنچه به صلاح یک بانک خصوصی باشد، طی سلسله‌مراتبی که وجود دارد، اتخاذ تصمیم و اقدام می‌شود، اگرچه یک سندیکایی هم تحت‌عنوان کانون بانک‌های خصوصی در کنار بانک‌های خصوصی و موسسات مالی و اعتباری وجود دارد که به طور ماهانه تشکیل جلسه می‌دهد و مباحث روز در این جلسات مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد و تبادل نظر می‌شود و نتایجی هم حاصل می‌شود، کمالینکه تاکنون نیز در موارد خاص نشست‌هایی صورت پذیرفته و اقداماتی از سوی کانون برای تامین منافع مجموعه انجام شده است.

۴ / پیش‌بینی شما در مورد سرنوشت کوتاه‌مدت بانک‌های خصوصی در بازار پولی کشور و سهم حضور آنها از این بازار چیست؟

□ سهم حضور بانک‌های خصوصی از یک درصد در سال ۸۱، به حدود ۱۴ درصد در نیمه سال ۸۵ در خصوص جذب منابع رسیده که قابل‌توجه است و این اعداد خود گویا هستند، اما مساله‌ای که وجود دارد، فرمان اخیر مقام معظم رهبری پیرامون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی است که اگر بانک‌های موردنظر به جرگه بانک‌های خصوصی بپیوندند، حدوداً بیش از ۵۰ درصد سهم بازار در اختیار بخش خصوصی قرار خواهد گرفت که از همه جوانب قابل‌توجه و اثرگذار خواهد بود. در مورد سرنوشت بانک‌های خصوصی هم باید عرض کنم که بانک‌های خصوصی سرنوشت مهمی ندارند، چون بنگاه‌هایی هستند که با مجوزهای لازم شروع به فعالیت کرده‌اند و روزبه‌روز هم بر حوزه فعالیت آنها افزوده شده و در ارایه خدمات نیز پیشگام بوده‌اند.

۴ / لطفاً نظر و توضیحات خود را پیرامون عبارات زیر که به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران درباره چالش‌های فراروی صنعت بانکداری کشور می‌باشند، بفرمایید؟

- فقدان استقلال بانک مرکزی: در قانون برنامه چهارم توسعه، مصوبه‌هایی برای افزایش استقلال بانک مرکزی دیده شده است، از جمله این که حکم

رییس‌کل بانک مرکزی توسط رییس‌جمهور صادر شود و یا رییس‌جمهور، رییس مجمع عمومی بانک مرکزی باشد. این اقدامات گام‌هایی است برای تامین استقلال بیشتر بانک مرکزی.

- دولتی بودن بخش اعظم سیستم بانکی و تبعیت سیاست‌های پولی از سیاست‌های مالی و بودجه‌ای دولت: با اصلاح اصل ۴۴ قانون اساسی این موضوع تعدیل خواهد شد. البته این اتفاق خوشایند به‌رحال رخ خواهد داد، گرچه به‌نظر می‌رسد حداقل سه - چهار سال باید صرف فراهم‌کردن مقدمات این مهم شود و کارهایی از قبیل شفاف‌سازی دارایی‌ها، تعیین تکلیف دارایی‌های بانک‌ها، اصلاح سیستم نیروی انسانی موجود و تلاش در راستای تغییر ماهیت و فرهنگ‌سازی درون‌سازمانی بانک‌ها در راستای خصوصی‌سازی و... اقداماتی است که باید صورت بگیرد.

بانک‌های دولتی از لحاظ ضریب کفایت سرمایه مشکلاتی دارند، زیرا متناسب با جذب منابع، اقدام به افزایش سرمایه کرده‌اند.

- فقدان بازار رقابتی و انگیزه سود و سلطه شبه‌انحصاری بزرگ دولتی: درست است که امروزه حدود ۸۵ یا ۸۶ درصد بازار بانکی دولتی است، ولی تاثیرگذاری بانک‌های خصوصی در بانکداری دولتی را نمی‌توان نادیده گرفت. ظرف چهار سال فعالیت بانک‌های خصوصی، تغییر روش‌های زیادی در بانک‌های دولتی ایجاد شده است. توجه به مشتریان، اعطای تسهیلات و توجه به الکترونیکی‌کردن عملیات بانکی و... ناشی از وجود رقابت در سیستم بانکی است. از سوی دیگر، درست است که بانک‌های دولتی زیاد به دنبال سود نیستند و انگیزه سود بر ایشان مطرح نیست و ارایه خدمات ترجیح دارد، اما با پیوستن بانک‌های دولتی فعلی به بانک‌های خصوصی، به نظر می‌رسد که شرایط متفاوت خواهد شد.

- ناتوانی سیستم بانکی دولتی در جذب نیروهای مناسب، به‌ویژه در سطوح مدیریتی: یکی از مشکلاتی که در سیستم بانکداری دولتی وجود دارد، چگونگی جذب نیروی انسانی و نگهداشتن نیروهای متخصص و خیره است. در واقع، ضوابطی وجود دارد که کمتر برای نگهداشتن نیروهای تربیت‌یافته و

متخصص خود انعطاف‌پذیر هستند و نهایتاً ممکن است تا پنج سال بتوانند آنان را حفظ کنند و نیروهای کارآمدی که دولت هزینه‌های زیادی برای تربیت آنها متحمل شده است، به راحتی جذب بانک‌های خصوصی می‌شوند، مگر این که برای نگهداری این قبیل نیروها اختیارات بیشتری به هیات‌مدیره بانک‌ها داده شود.

- ساختار مالی نامناسب بانک‌ها از لحاظ کفایت

سرمایه: نسبت کفایت سرمایه هشت درصد بوده که در نظر است به ۱۲ درصد افزایش یابد. در مورد بانک‌های خصوصی این موضوع رعایت می‌شود و مشکلی وجود ندارد، ولی بانک‌های دولتی در این زمینه مشکلاتی دارند، چرا که متناسب با جذب منابع، اقدام به افزایش سرمایه نکرده‌اند.

- وضعیت مطالبات معوق: طبق اعلام مقامات

بانک مرکزی، مطالبات معوق بانک‌های دولتی ۱۲/۵ درصد است که این رقم در بانک‌های خصوصی کمتر می‌باشد. وجود این مشکل در سیستم بانکی، ناشی از پایین‌بودن نرخ سود تسهیلات نسبت به نرخ بازار غیرمتشکل پولی است. وقتی که فاصله نرخ سود تسهیلات در بازار غیرمتشکل پولی حدود ۳۶ تا ۶۰ درصد نوسان دارد و در سیستم بانکی دولتی ۱۴ درصد است، وجوه سیستم بانکی به سختی بازپس داده می‌شود. پس دقت در اعطای تسهیلات، دلسوزی همکاران و پیگیری در وصول مطالبات، دو متغیر اصلی برای پرهیز از بروز مطالبات معوق در سیستم بانک‌های خصوصی می‌باشد.

- ساختار نامطلوب هزینه‌ها: با توجه به این که

میزان بهره‌وری در بانک‌های خصوصی به نسبت بانک‌های دولتی بالاتر است و بانک‌های خصوصی باید سود سهامداران را تامین کنند، بنابراین، تمام هزینه‌هایی که صورت می‌گیرد، توجیه دارد و از اتلاف سرمایه بانک به‌طور جدی خودداری می‌شود، چرا که یک بنگاه اقتصادی باید سودده باشد. بنابراین، مدیریت منسجمی بر ساختار هزینه‌ها نظارت می‌کند. اما در سیستم بانکداری دولتی، به دلایل مختلف، از جمله ساختار بسته، بوروکراسی اداری، بهره‌وری پایین نیروی انسانی و... ساختار هزینه‌ها نامطلوب است.

۴ / به‌خاطر شرکت در این مصاحبه از شما تشکر می‌کنیم.

گفتگوها از: اعظم هوشمند

■

